

## واکاوی کیفی عوامل و زمینه‌های موثر بر شکل‌گیری مشاغل کاذب در بین جوانان استان لرستان

نورالدین اله دادی<sup>۱</sup>، مراد برادران<sup>۲</sup>، سیده معصومه بخشی<sup>۳</sup>، علی محمد جوادی<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش تحلیل کیفی عوامل و زمینه‌های موثر بر شکل‌گیری مشاغل کاذب در بین جوانان استان لرستان است. مشاغل کاذب به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که مالیات پرداخت نمی‌کنند، بیمه پرداخت نمی‌کنند و به‌طور کلی در مراجع قانونی و رسمی ثبت نشده‌اند. پژوهش حاضر برای تحلیل عوامل و زمینه‌های موثر بر مشاغل کاذب، از رویکرد کیفی استفاده کرده و با اتکا به روش تحلیل-تماتیک، داده‌ها مورد تحلیل و بررسی کیفی قرار گرفته‌اند. داده‌ها با استفاده از ۱۵ «مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته» با کارفرمایان، فعالان کارآفرینی، متخصصان و صاحب‌نظران حوزه‌ی اشتغال و... استان جمع‌آوری شده‌است. بر اساس یافته‌های تحقیق عوامل سطح کلان موثر بر گرایش به مشاغل کاذب شامل دو مضمون سازمان‌دهنده (سیاست‌ها و رویه‌های دولت و فرصت‌های محیطی) و هفت مضمون پایه (سیاست‌های اقتصادی دولت، سیاست‌های اشتغال، عوامل قانونی، نظام عرضه و تقاضا، نظام مالیاتی، عوامل محیطی کسب و کار و نظام آموزشی کشور) است. عوامل سطح خرد موثر بر گرایش به مشاغل کاذب نیز شامل دو مضمون سازمان‌دهنده (عوامل زمینه‌ای و عوامل فردی) و شش مضمون پایه (عوامل فرهنگی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل طبیعی، ویژگی‌های شخصیتی و عوامل انگیزشی) می‌باشد. نتایج این مطالعه نشان داد که مشاغل کاذب نه صرفاً محصول ضعف ساختارهای کلان، و نه صرفاً نتیجه انتخاب‌های فردی‌اند، بلکه حاصل تعامل پیچیده میان سیاست‌های اقتصادی، محدودیت‌های نهادی، و انگیزه‌های خرد جوانان هستند.

**کلید واژه:** اقتصاد غیررسمی، مشاغل کاذب، بیکاری جوانان، تحلیل تماتیک، استان لرستان.

### مقدمه و طرح مسأله

شهرنشینی سریع به همراه افزایش جمعیت در شهرها و تأثیرات ناشی از اقتصاد سیاسی از یکسو موجب رواج بیکاری در شهرهای جهان سوم شده است و از سوی دیگر تلاش در جهت تأمین حداقل معاش و رهایی از فقر، سبب شده تا بخش عمده‌ای از جمعیت ساکن در شهرها به سوی بخش غیررسمی، گرایش پیدا کنند (صدر موسوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴). بی‌تردید جوامعی که نتوانند افراد

<sup>۱</sup> . استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۶۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران. رایانامه: [nalahdadi@pnu.ac.ir](mailto:nalahdadi@pnu.ac.ir)

<sup>۲</sup> . استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۶۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: [mbaradadran@pnu.ac.ir](mailto:mbaradadran@pnu.ac.ir)

<sup>۳</sup> . پژوهشگر جهاد دانشگاهی. رایانامه: [bakhshi@yahoo.com](mailto:bakhshi@yahoo.com)

<sup>۴</sup> . استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۶۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران. رایانامه: [javadi.alimohammad@pnu.ac.ir](mailto:javadi.alimohammad@pnu.ac.ir)

متخصص به اندازه کافی تربیت کنند، به ناچار نیروی کار آن‌ها رو به مشاغلی می‌آورند که احتیاج به تخصص ندارد و از میان مشاغل بدون تخصص، شغلی را انتخاب می‌کنند که ساده‌تر و سودآوری آن سریع‌تر باشد. چنین مشاغلی اصطلاحاً «مشاغل کاذب» نامیده می‌شوند و به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شوند که مالیات پرداخت نمی‌کنند، بیمه پرداخت نمی‌کنند و به طور کلی در مراجع قانونی و رسمی ثبت نشده‌اند. افرادی که به این گونه مشاغلی می‌پردازند چون مجوز قانونی برای کسب و کار ندارند، هر جا و هر گوشه از شهر را که فضای خالی داشته باشد به عنوان محل کسب خود انتخاب می‌کنند. این افراد باعث به وجود آمدن یک بازار آشفته می‌شوند که از نظر اقتصادی تاثیر منفی در بازار واقعی می‌گذارد. در ایران هرم سنی به گونه‌ای است که جمعیت جوان و جویای کار به میزانی بیش از حد بالاست و نامتوازن بودن هرم سنی را شاهد هستیم. مشکلات باقی مانده از جنگ تحمیلی و تحریم‌های آشکار و پنهان علیه ایران هم به بیکاری اضافه می‌کند. مساله‌ی مهاجرت نیز پدیده‌ای است که بیکاری را دامن زده است (فدایی و علی بیگی، ۱۳۹۰: ۵۶).

برخی از فعالیت‌های اقتصادی خارج از مدار رسمی اقتصاد و نظارت‌های دولتی و قوانین و مقررات تنظیم کننده روابط اقتصادی شکل می‌گیرد که در اقتصاد غیررسمی جای دارند. این فعالیت‌ها به دلیل بی‌نیازی به سرمایه و تخصص و مهارت بالا، هزینه‌های پایین تولید، آزادی ورود و خروج و نبود قوانین و مقررات مختلف، برای توده عظیم نیروی کار غیرماهر و بی‌سواد جامعه از جذابیت بالایی برخوردار است و تا حدود زیادی نقش تعدیل کننده فشارهای وارده به بازار کار را برعهده دارد. برخی از مهم‌ترین این فعالیت‌ها تحت عنوان بخش غیررسمی مانند صنایع و مشاغل خانگی، دست‌فروشی و دوره‌گردی سهم بالایی از اشتغال و تولید را در اقتصاد غیررسمی به خود اختصاص می‌دهند (احمدی شادمهری، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

در فرایند توسعه اقتصادی، چون بخش صنعت نمی‌تواند کل نیروی کار روزافزون و مترتب بر رشد جمعیت را جذب کند، کاهش اندازه اشتغال در بخش کشاورزی به معنای گسترش فعالیت‌هایی خواهد بود که طبق تعریف، در زمره بخش غیررسمی جای می‌گیرد. عامل دیگر در گسترش بخش غیررسمی در ایران که اساساً به کشورهای صادر کننده نفت منحصر می‌شود، گرایش دولت به حمایت از تولید انبوه محصولات صنعتی و کشاورزی است که عموماً متکی بر تکنولوژی‌های سرمایه‌بر و منابع انرژی حاصل از صدور نفت بوده و رشد ناچیز فرصت‌های شغلی در بخش صنعت برای جذب نیروی کار آزاد شده از بخش کشاورزی را در پی داشته است (صدر موسوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۶).

به طور کلی دو رویکرد عمده در پرداختن به مسئله اشتغال‌پذیری قابل تشخیص است: اول، رویکردی که تنها به قابلیت‌های فردی توجه دارد. این رویکرد، اشتغال‌پذیری را به عنوان مهارت‌ها، ویژگی‌ها و دانش‌های فردی می‌شناسد. دوم رویکردی که بر عواملی خارج از کنترل فرد نیز توجه دارد. در این رویکرد، بستری که فرد در آن زندگی و رشد می‌کند و به آن مقید می‌شود و عوامل کلان اقتصادی و سیاست‌گذاری مورد تأکید است. در مدل فوگیت، هویت حرفه‌ای، انطباق‌پذیری شخصی و سرمایه اجتماعی و انسانی،

سه شاخص اشتغال‌پذیری هستند. نظریات افرادی چون هیلج و پولارد<sup>۱</sup> (۱۹۹۸)، گزیر<sup>۲</sup> (۲۰۰۱)، و مک کوئید و لیندسی<sup>۳</sup> (۲۰۰۵)، این بحث را پیش کشید که اشتغال‌پذیری نمی‌تواند فقط مسئله‌ای فردی باشد، بلکه باید با نگاهی کلاتر به آن نگریسته شود. مک کوئید و لیندسی نیز بر این نظرند که علاوه بر «مهارت‌های فردی»، «شرایط زمینه‌ای خود شخص»، «عوامل بیرونی چون تقاضای اقتصاد کلان» و شرایط محیطی خود فرد بر اشتغال‌پذیری اثرگذار است (توحیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳).

جوانان در ایران به مثابه بخشی مهم از جمعیت کشور که سزاوار بهره‌مندی از امکانات رشد و تعالی‌اند، و نیز در قالب نیروی انسانی بالقوه که در تأمین منابع انسانی سهمی بسزا دارند، شایسته توجه بیشتری هستند. اشتغال و بیکاری جمعیت فعال جوان یکی از مؤلفه‌های مهم در فرآیند توسعه است که می‌بایست در کانون توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد. از لحاظ آثار نابهنجار مقوله بیکاری بر فرد و اجتماع، این مشکل علاوه بر ویژگی‌های اقتصادی از ابعاد سیاسی، امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی نیز برخوردار است (موسایی و عمانی، ۱۳۸۹: ۴۹).

در استان لرستان نیز بیکاری، مساله‌ی عمده و مشکل بزرگی است که هر ساله با توجه به افزایش جمعیت، نیازمند توجه ویژه‌ای می‌باشد. سالانه بر تعداد افراد جویای کار و نیازمند فرصت‌های شغلی آن افزوده می‌شود که در صورت عدم برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ جهت اشتغال سالم آنان، شاهد گسترش طبیعی مشاغل غیررسمی و بی‌قاعده خواهیم بود. آمار بالای بیکاری در این استان و وجود بخش‌های ضعیف کشاورزی و صنعت باعث رشد مهاجرت از مناطق روستایی استان به سوی مناطق شهری شده که بیشتر این افراد پس از ورود به شهر در فعالیت‌های غیررسمی جذب می‌شوند. بنابراین در صورت فقدان برنامه‌ریزی مناسب در شناسایی، هدایت و ارتقای فعالیت‌های بخش غیررسمی، گسترش فعالیت‌های غیررسمی در استان لرستان نرخی فزاینده خواهد گرفت.

در این راستا و با وجود انجام پژوهش‌های متعدد در سایر نقاط کشور درباره مشاغل غیررسمی (مانند کولبری در کردستان)، تاکنون مطالعه‌ای کیفی که به‌طور خاص به تحلیل زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مشاغل کاذب در لرستان بپردازد، صورت نگرفته است. در واقع، نوآوری پژوهش حاضر در پرداختن به تجربه‌های زیسته جوانان لرستانی و تحلیل تماتیک داده‌های کیفی برای استخراج مقوله‌های زمینه‌ای و علی است.

از این منظر، مطالعه حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. چه عوامل کلان (ساختاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) در شکل‌گیری مشاغل کاذب در میان جوانان لرستان مؤثرند؟
۲. چه عوامل خرد (فردی و انگیزشی) باعث گرایش جوانان به این نوع مشاغل می‌شوند؟
۳. پیامدهای اجتماعی و فردی اشتغال در مشاغل کاذب چیست و چه راهکارهایی می‌توان برای کاهش آن‌ها پیشنهاد کرد؟

1 . Pollard & Hillage

2 . Gazier

3 . McQuid, R. Lindsay

بر همین اساس، هدف نهایی این تحقیق صرفاً شناسایی عوامل و زمینه‌های مؤثر بر شکل‌گیری مشاغل کاذب نیست، بلکه این پژوهش کوشیده است با ایجاد تعادل میان سطح خرد و سطح کلان و بهره‌گیری از رویکرد کیفی تحلیل تماتیک، تصویری جامع‌تر و بومی‌تر از پدیده مشاغل کاذب در استان لرستان ارائه دهد.

### ملاحظات نظری

بررسی پدیده مشاغل کاذب و غیررسمی نیازمند چارچوب نظری منسجم است تا بتواند ابعاد ساختاری، نهادی و فردی آن را تبیین کند. در بسیاری از پژوهش‌ها نظریه‌ها به صورت مجزا مطرح شده‌اند، اما این امر موجب گسست مفهومی و عدم ارتباط میان آن‌ها شده است. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا مجموعه‌ای از نظریه‌های جامعه‌شناختی در سطوح مختلف به‌طور یکپارچه مورد توجه قرار گیرد. برای این منظور ابتدا به مفهوم مشاغل کاذب و سپس به طرح نظریه‌های جامعه‌شناختی مربوط به این حوزه پرداخته می‌شود.

### مشاغل کاذب

اصطلاح اشتغال غیررسمی یک مفهوم مبهم بوده و ارائه تعریف دقیقی از آن کار دشواری است. در یک تعریف عمومی، مشاغل - غیررسمی به طیف گسترده‌ای از مشاغل موقت یا زیرزمینی ایجاد شده در نواحی شهری کشورهای در حال توسعه اطلاق می‌شود. یکی از دلایل پیچیدگی مفهوم غیررسمی و ابهام در آن این است که مشاغل غیررسمی در مناطق مختلف به نام‌های مختلفی شناخته می‌شوند و واژه غیررسمی یا صفت‌های جایگزین با اسامی مختلفی همچون اقتصاد، بخش، فعالیت و کار به صورت ترکیبی، اسامی متعددی را تشکیل می‌دهند (کولین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸: ۲).

اصطلاح مشاغل غیررسمی مناسب‌ترین و دقیق‌ترین عنوان برای نامیدن این گروه از فعالیت‌ها با ویژگی‌های مشخص همچون کاربر بودن، کوچک مقیاس بودن، ورود آسان، مالکیت فردی و خانوادگی و... می‌باشد. این اصطلاح برای نخستین بار در اوایل دهه ۱۹۷۰ به دنبال مهاجرت انبوه روستائیان به شهرها و محدود شدن قدرت جذب نیروی کار در بخش صنعت در اقتصادهای در حال توسعه به کار گرفته شد. به منظور دسته‌بندی مشاغل به دو بخش رسمی و غیررسمی معیارهای متعددی ارائه شد که از آن جمله می‌توان به پنج معیار مالیات، بیمه درمانی، مقیاس بنگاه، گروه شغلی و قاچاق کالا اشاره نمود (نسترن و همکاران، ۱۳۹۴).

جدول ۱- شاخص‌های تعیین اشتغال غیررسمی

شاخص	محققان تأیید کننده	تعاریف عملیاتی
------	--------------------	----------------

<sup>1</sup> Colin

پرداخت مالیات	(هنلی <sup>۱</sup> ، ۲۰۰۶: ۲۸)، (نایب <sup>۲</sup> ، ۲۰۰۸: ۴۰)	اغلب مشاغل رسمی به دلیل فرار از مالیات به ثبت نرسیده‌اند و عدم پرداخت مالیات توسط مشاغل می‌تواند شاخص مناسبی برای تشخیص آن باشد.
بیمه درمانی	(رنانی <sup>۳</sup> ، ۲۰۱۰: ۲۵)، (هنلی، ۲۰۰۶: ۲۸)، (چرمس <sup>۴</sup> ، ۲۰۰۰: ۱۵۷)	عدم تعلق بیمه به شاغلان در کل حمایت اجتماعی در این زمینه می‌تواند در دسته‌بندی مشاغل به رسمی و غیررسمی بسیار مفید باشد.
مقیاس بنگاه	(نایب، ۲۰۰۸: ۴۰)، (هارت <sup>۵</sup> ، ۱۹۷۳: ۶۳)، (فانخوسر <sup>۶</sup> ، ۱۹۹۶)، (رنانی، ۲۰۱۰: ۲۵)	معمولاً مشاغل غیررسمی، مشاغلی هستند که در سطح واحدهای کوچک و با تعداد کارکنان کم، ورود آسان و با سرمایه کم در این بخش فعالیت می‌کنند.
گروه شغلی	(نایب، ۲۰۰۸: ۴۰)، (هارت <sup>۷</sup> ، ۱۹۷۳: ۶۳)، (هنلی، ۲۰۰۶: ۲۸)	مشاغل غیررسمی معمولاً افرادی را به خود جذب می‌نمایند که جذب مشاغل رسمی نشده‌اند و دارای ماهیت دون مایه هستند؛ مانند دستفروشی و دور ه‌گردی و...
قاچاق کالا	(رنانی، ۲۰۱۰: ۲۵)، (هنلی، ۲۰۰۶: ۲۸)	یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های ایجاد مشاغل غیررسمی، کالاهایی است که مورد معامله قرار می‌گیرند. اکثر این کالاها از بخش غیررسمی و قاچاق کالا حاصل می‌شوند.

سازمان بین‌المللی کار نیز از اقتصاد بخش غیررسمی تعریفی به این شرح ارائه داده است: (۱) نیاز به هزینه کم؛ (۲) کارگر بر؛ (۳) ورود آسان با این بخش؛ (۴) کمی نیاز به تخصص و تحصیلات رسمی؛ (۵) عرضه خدمات و تولیدات قابل رقابت. بخش غیر رسمی، بخشی از اقتصاد است با فعالیت محدود، کارگر بر، نبود حمایت قوانین کشوری از آن، که ورود به آن آسان، بازار نامنظم، سرمایه اندک از ویژگی‌های این اقتصاد است. یکی از پیچیدگی‌های مفهوم غیررسمی و ابهام آن این است که مشاغل غیررسمی در مناطق مختلف و حتی در یک منطقه به نام‌های مختلف همچون اقتصاد زیر زمینی، اقتصاد پنهان و... شناخته می‌شود.

### نظریه نوسازی

نظریه پردازان نوسازی بر طبق یک سنت جامعه‌شناختی و تقسیم‌بندی دوگانه از جوامع یعنی جوامع سنتی در مقابل جوامع مدرن به بحث و بررسی پرداخته‌اند، به طوری که در یک سو، ما با جامعه‌ی سنتی، نقطه‌ای که توسعه نیافتگی از آن آغاز می‌شود و در سوی دیگر با یک جامعه‌ی مدرن روبه‌رو هستیم. بر اساس آراء سیمون کداک<sup>۸</sup> فرایند نوسازی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته به طرق زیر امکان‌پذیر است:

۱. صنعتی شدن، تغییر در وجهه نظرها و رفتارها و ارزش‌ها را به همراه دارد و همگی این امور خود موجب صنعتی شدن بعدی آن‌ها می‌شود.

1. Henilee

2. Nayeb

3. Ranani

4. Charms

5. Hart

6. Funkhouser

7. Hart

8. Szymon chodak

۲. به طور خودانگیخته، فرایند نوسازی در نتیجه‌ی تماس بخش توسعه‌یافته‌تر یا کمتر توسعه‌یافته‌تر صورت می‌گیرد.

۳. به شکل برنامه‌های هدف‌دار دولتی که در جهت نوسازی بخش اقتصاد صورت می‌گیرد و بر اساس این تعمیم کداک سه الگوی نوسازی را که در صحرای آفریقا اتفاق افتاده معرفی می‌کند: صنعتی - فرهنگی - ترغیبی (درویشی، ۱۳۹۱: ۶۲).

طرفداران نظریه نوسازی، اقتصاد غیررسمی را به جامانده از شیوه‌های تولید سنتی و پیش سرمایه‌داری و نوعی استراتژی معیشتی رایج در بین مردم روستایی منزوی می‌دانستند. بخش غیررسمی از نظر آن‌ها در خارج از اقتصاد مدرن گرفتار شده است، زیرا فاقد آموزش، مهارت و ارزش‌گذاری مناسب است. آن‌ها برای توصیف شاغلان غیررسمی با نیروی کار اضافی از مفاهیمی چون «حاشیه»، «ورم غیرعادی»، «بخش سوم منبسط شده» و «انواع بازار» استفاده نموده‌اند. از دیدگاه نظریه نوسازی، مازاد شهری در نهایت با افزایش صنعتی‌سازی ناپدید می‌شود، یعنی سرمایه‌دار، به مرور نیروی کار ارزان بازار کار غیررسمی را جذب می‌کند. با این حال، شواهد موجود در سراسر جهان این موضوع را تأیید نمی‌کند و نشان می‌دهد که اشتغال غیررسمی به رغم پیشرفت‌ها در زمینه صنعتی‌سازی همچنان ادامه دارد. مهم‌ترین ضعف این نظریه آن است که اشتغال غیررسمی را به مثابه حوزه‌ای از پویایی یا رشد اقتصادی و نیز مخزنی از آموزش و استعداد کارآفرینی در نظر نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، اشتغال غیررسمی در این نظریه معضلی است که باید حل شود نه یک استراتژی توسعه که باید مهار شده و ارتقاء پیدا کند (موزر، ۱۹۷۸: ۱۰۵۳). در مجموع این رویکرد بر این باور است که رشد سریع جمعیت، مهاجرت‌های گسترده روستایی و تعطیلی صنایع سنتی، زمینه‌ساز افزایش مشاغل غیررسمی‌اند.

### نظریه نئولیبرالیسم

نئولیبرالیسم یک ایدئولوژی مبتنی بر لیبرالیسم اقتصادی است. این ایدئولوژی از سیاست‌های اقتصادی که نقش دولت را به حداقل رسانده و نقش تجارت آزاد را به حداکثر می‌رساند، طرفداری می‌کند. نئولیبرالیسم در تلاش است تا کنترل اقتصاد را از بخش دولتی به بخش خصوصی انتقال دهد، با این اعتقاد که مدیریت کارآمدتری صورت خواهد گرفت و سلامت اقتصادی بهبود خواهد یافت. هرناندو دسوتو<sup>۲</sup> (۱۹۸۹)، یکی از نظریه‌پردازان این رویکرد، معتقد بود که بخش غیررسمی پاسخی به مقررات سنگین دولتی است. به نظر او بخش غیررسمی متشکل از کارآفرینان خرد با شهامتی است که اشتغال غیررسمی را به خاطر جلوگیری از هدر رفتن هزینه‌ها، زمان و انرژی برای ثبت رسمی، انتخاب می‌کنند. این کارآفرینان به تولید غیررسمی خود تا زمانی ادامه می‌دهند که رویه‌های دولت از نظر بوروکراسی اداری، حقوق مالکیت، دسترسی دشوار به منابع تولیدی مانند امور مالی و فن آوری دست و پاگیر و هزینه بر باشد، ادامه می‌دهند. از نظر وی، قوانین و مقررات نامعقول دولت، بنگاه‌های خصوصی را خفه می‌کند.

او مدعی بود که بخش غیررسمی نه تنها ظرفیت آن را دارد که ثروت تولید کند، هزینه‌ها را کاهش دهد و سیاست را دموکراتیک نماید، بلکه همچنین می‌تواند اقتصاد اول را بیرون رانده و آن را جایگزین نماید. بنابراین، در مقایسه با سایر محققانی که اقتصاد

<sup>1</sup> . Moser

<sup>2</sup> De Soto

غیررسمی را استثناء می‌دانستند، دسوتو بخش غیررسمی را مملو از ظرفیت‌های انقلابی می‌داند (احمدی و حامد، ۱۳۹۹). نظریه نئولیبرالیسم و دیدگاه دسوتو تأکید دارند که مقررات پیچیده ثبت کسب‌وکار، مالیات‌های سنگین و ضعف حمایت‌های نهادی باعث می‌شود افراد برای بقا به سمت اقتصاد غیررسمی حرکت کنند.

علاوه بر این نظریه‌ها، لازم است به رویکردهای انتقادی نیز در خصوص مشاغل غیررسمی توجه شود. نظریه «مارکسیسم شهری» با تمرکز بر نقش سرمایه‌داری، مشاغل غیررسمی را بخشی از فرآیند حاشیه‌نشینی می‌داند که در نتیجه تمرکز سرمایه در کلان‌شهرها و محرومیت مناطق پیرامونی شکل می‌گیرد (لوفور، ۱۴۰۰). در لرستان نیز تمرکز امکانات در تهران و کلان‌شهرهای صنعتی، سبب شده استان‌های پیرامونی با کمبود فرصت‌های شغلی پایدار مواجه شوند. از سوی دیگر، رویکرد «فمینیسم اقتصادی» نیز نشان می‌دهد که مشاغل غیررسمی عموماً جنسیت‌زده هستند؛ زنان در این مشاغل با تبعیض، ناامنی و دستمزد پایین مواجه‌اند (شیرخدایی، ۱۳۹۵). نمونه روشن آن لرستان، حضور گسترده زنان دستفروش در بازارهای خرم‌آباد و بروجرد است که بخش عمده‌ای از معیشت خانواده‌های کم‌درآمد را تأمین می‌کنند.

در مجموع باید اشاره کرد که این رویکردهای نظری هرچند گاهی در تضاد با یکدیگرند، اما از آنجا که مشاغل کاذب را نمی‌توان صرفاً با یک رویکرد توضیح داد، لازم است ارتباط میان عوامل ساختاری، نهادی و فردی در نظر گرفته شود. همچنین تطبیق این نظریه‌ها با واقعیت لرستان نشان می‌دهد که وجود مقررات ناگوارآمد، تعطیلی صنایع و موقعیت پیرامونی استان، زمینه‌های مساعدی برای رشد این نوع مشاغل فراهم آورده است.

#### پیشینه تحقیق

مرور پیشینه مطالعات انجام‌شده درباره مشاغل کاذب نشان می‌دهد که این پدیده در دهه‌های اخیر توجه پژوهشگران زیادی را به خود جلب کرده است. پیچیدگی‌ها و چندبعدی بودن این مساله باعث شده که محققان از زوایای گوناگون اقتصادی، اجتماعی، و ... به آن بپردازند. مرور این تحقیقات نه تنها درک روشن‌تری از زمینه‌های شکل‌گیری مشاغل غیررسمی فراهم می‌آورد، بلکه جایگاه و ضرورت پژوهش حاضر را نیز آشکار می‌سازد.

محمدی و همکاران (۱۴۰۰)، تحقیقی با عنوان «اشتغال پایدار شهرهای مرزی؛ تحلیل علل و پیامدهای کولبری در شهر بانه» انجام دادند. پس از جمع‌آوری داده و تحلیل کدگذاری‌های مصاحب‌ها به استخراج ۵۷ عبارت، ۱۶ مفهوم و چهار مقوله اصلی پرداخته شده است. عوامل اقتصادی، سیاسی، قانونی و امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و جامعه‌شناختی، جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مهمترین مقوله‌های اصلی ایجاد این اشتغال کاذب است و پیشنهاد می‌شود که دولت با همکاری مرزنشینان و با در نظر گرفتن پتانسیل‌های درون منطقه‌ای به توسعه پایدار شهری بانه کمک کنند (محمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸). نایی و همکاران (۱۳۹۸)، تحقیقی تحت عنوان «زمینه‌های شکل‌گیری دست‌فروشی در شهر رشت» انجام دادند. نتایج یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زمینه‌های

شکل‌گیری دست‌فروشی تحت تأثیر مؤلفه‌های گوناگونی است که می‌توان آن‌ها را در سه دسته زمینه‌های ایجادکننده، ترغیب‌کننده و تشدیدکننده قرار داد. (نایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۵)

مولر و همکاران (۲۰۲۵) ۱ در مقاله‌ای با عنوان «تجربیات مشاغل پوچ در محیط کار و بهزیستی ذهنی: نقش تعدیل‌کننده اخلاق کار پروتستانی» ۲ به این نتیجه رسیدند که افرادی که عمیقاً به اخلاق کار پروتستانی معتقدند، حتی با وجود تجربه جنبه‌های منفی در کار، ممکن است سطح بالایی از بهزیستی ذهنی را گزارش کنند. این یافته‌ها بر اهمیت تعامل بین نگرش‌های کاری و تجربیات محیط کار در رابطه با بهزیستی کارکنان تأکید می‌کند. دیوید گرابر<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) معتقد است که مفهوم مشاغل کاذب شکلی از اشتغال پرداختی است که آنقدر بی‌معنی، غیرضروری، یا زیان‌بار است که حتی خود شاغل نیز نمی‌تواند وجود آن را توجیه کند، حتی اگر به عنوان بخشی از شرایط اشتغال، کارمند احساس کند مجبور است تظاهر کند که اینطور نیست. اینکه یک شغل خاص، یا حداقل بخش‌هایی از یک شغل، می‌تواند کاذب<sup>۱</sup> در نظر گرفته شود، توسط شخصی که آن کار را انجام می‌دهد قابل قضاوت است، زیرا او فعالیت‌های شغلی خود را بهتر می‌شناسد (گرابر، ۲۰۱۸) و ویلیامز<sup>۴</sup> (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای بیان می‌کند که از دیدگاه نئولیبرال، اشتغال در بخش غیر رسمی حاصل مالیات‌های سنگین، فساد در بخش عمومی و مداخله‌های دولت در بازار آزاد است و راه علاج آن، کاهش مالیات‌ها، فساد و کمترین دخالت دولت است. وی بیان می‌کند که اندازه‌های مختلف اقتصاد غیر رسمی در میان ۳۶ کشور در حال توسعه با پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد ارتباط اندکی با نرخ‌های بالای مالیات، سطوح بالای فساد و مداخله دولت دارند یا بدون ارتباط هستند. در عوض اشتغال در اقتصاد غیر رسمی با سطوح بالای مداخله دولت کاهش می‌یابد (ویلیامز، ۲۰۱۷: ۱۴۵). بلوگنا<sup>۵</sup> (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر مشاغل غیررسمی و فساد بر سطوح درآمد در برزیل»، با بهره‌گیری از یک پایگاه داده پیرامون بخش غیررسمی و فساد در ۴۷۶ شهرداری در برزیل اقدام به بررسی این موضوع کرد که آیا فساد بر روی سطوح درآمد با در نظر گرفتن فعالیت اقتصاد غیررسمی تأثیر دارد؟ وی نتیجه می‌گیرد که سطوح بالای فساد و یک اقتصاد غیررسمی بزرگ بیشتر با اقتصاد ضعیف در ارتباط هستند. هر چند فقط اندازه اقتصاد غیررسمی به طور آماری تأثیر مهمی داشته است (بلوگنا، ۲۰۱۶: ۶۵۷). هر چند یافته‌های بلوگنا (۲۰۱۶) با یافته‌های ویلیامز (۲۰۱۷) متناقض به نظر می‌رسند، ولی از آن‌جا که یافته‌های ویلیامز به «منشأ ساختاری غیررسمی‌سازی» و یافته‌های بلوگنا به «پیامدهای اقتصادی آن» اشاره دارند، الزاماً در تضاد با یکدیگر نیستند. بر همین اساس، در شرایط اقتصادی ایران و به‌ویژه استان لرستان، هر دو رویکرد می‌توانند مکمل یکدیگر باشند: از یک‌سو، مداخلات ناکارآمد و بروکراسی دولتی می‌تواند به گسترش فعالیت‌های غیررسمی بینجامد (مطابق رویکرد ویلیامز)، و از سوی دیگر، تداوم این وضعیت به دلیل فساد، فقر ساختاری و ضعف نظارت، به چرخه‌ای از وابستگی اقتصادی و اشتغال غیرمولد منجر می‌شود (مطابق

1. Marina Müller, Michael Barthelmas, Johannes Keller.

2. "Bullshit job experiences at work and subjective well-being: The moderating role of protestant work ethic"

3. Graeber

4. Williams

5. Bologna

رویکرد بلوگنا). گونتر و لونو (۲۰۱۲)، در مقاله خود تحت عنوان «اشتغال غیررسمی در کشورهای در حال توسعه: فرصت یا آخرین راه حل» اشتغال غیررسمی را در بازار کار شهری ساحل عاج بررسی کردند؛ یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد: ۱. بخش غیررسمی در بازار کار شهری ساحل عاج از دو بخش تشکیل شده است که هر بخش معادله دستمزد منحصر به فرد خود را دارد. ۲. یک بخش از نظر درآمد متوسط و بازده آموزش و تجربه نسبت به بخش دیگر بالاتر است. ۳. بخش غیر رسمی برای برخی از افراد یک استراتژی از آخرین راه حل برای فرار از بیکاری و برای بعضی دیگر دارای مزیت نسبی است (گونتر و لونو، ۲۰۱۲: ۹۹). هنلی و عرب شیبانی (۲۰۰۹)، با استفاده از تحلیل پرسشنامه‌های گردآوری شده از خانوارهای برزیلی در دوره ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۴ و تحلیل رگرسیونی، حجم اشتغال غیررسمی این کشور را شصت و سه درصد برآورد کردند. در این تحقیق عوامل سطح سواد پایین افراد و گرایش زنان به فعالیت به شکل غیررسمی به دلیل ضعف سیستم‌های حمایتی اجتماعی و امنیت شغلی برای آنان، در گسترش اشتغال غیررسمی موثر و معنی‌دار دانسته شده است (هنلی و عرب شیبانی، ۲۰۰۹: ۳۸).

در مجموع بررسی‌ها نشان می‌دهد که اغلب این پژوهش‌ها بر سطح کلان اقتصادی، قانونی و ساختاری متمرکز بوده‌اند و کمتر به تجربه زیسته و برداشت‌های ذهنی جوانان به‌عنوان گروهی آسیب‌پذیر در این حوزه توجه کرده‌اند. همچنین در استان‌های کمتر توسعه‌یافته غرب کشور مانند لرستان، بررسی‌های کیفی اندکی صورت گرفته و درک ما از تجربه زیسته جوانان این مناطق بسیار محدود است. اما پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی و تحلیل تماتیک، تلاش می‌کند فراتر از عوامل کلان، به درک عمیق از دیدگاه‌ها، انگیزه‌ها و معانی موردنظر جوانان لرستانی درباره مشاغل کاذب بپردازد. بدین ترتیب، ارزش افزوده این مطالعه در ارائه یک خوانش بومی و تفسیری از پدیده مشاغل غیررسمی در بافت اجتماعی خاص استان لرستان است که می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های دقیق‌تر و متناسب با واقعیت‌های میدانی باشد.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و به شیوه تحلیل تماتیک انجام شده است. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته بود که امکان طرح پرسش‌های باز و انعطاف در جریان مصاحبه را برای پژوهشگر فراهم می‌ساخت. برای طراحی پرسش‌های مصاحبه، ابتدا با مرور ادبیات نظری و پیشینه تجربی در حوزه مشاغل غیررسمی، فهرستی از پرسش‌ها تدوین شد. در مجموع ۱۲ سؤال اصلی و چند سؤال فرعی طراحی گردید که در سه محور کلی سازمان یافتند: عوامل سطح کلان موثر بر گرایش به مشاغل کاذب، عوامل خرد موثر بر گرایش به مشاغل کاذب و راهکارهای کاهش مشاغل کاذب. سؤالات به صورت باز طراحی شدند تا مشارکت‌کنندگان بتوانند به تفصیل به بیان دیدگاه‌ها و تجربیات خود بپردازند.

1. Günther, I. & Launov

2. Henle & Arabsheibani

مصاحبه‌ها در بازه زمانی سه ماهه انجام گرفت و مدت هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه متغیر بود. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط صوتی شد و پس از پایان جلسه، کلمه به کلمه پیاده‌سازی گردید. در مواردی نیز از یادداشت‌برداری تکمیلی برای ثبت نکات تکمیلی استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل خبرگان و متخصصان حوزه اشتغال و توسعه منطقه‌ای در استان لرستان بود. معیارهای گزینش نمونه شامل حداقل پنج سال سابقه فعالیت حرفه‌ای یا پژوهشی در زمینه اشتغال و کارآفرینی، تألیف مقاله یا اجرای پروژه مرتبط با مشاغل غیررسمی، و آشنایی با شرایط اجتماعی-اقتصادی استان لرستان بود. بر اساس این معیارها، ۱۵ نفر (جدول ۲) انتخاب شدند که شامل ۱۲ مرد و سه زن بودند. ترکیب مشارکت‌کنندگان شامل اساتید دانشگاه، کارشناسان سازمان‌های دولتی مرتبط با اشتغال و توسعه، و فعالان مدنی آشنا با مسائل بازار کار بود. هرچند دستفروشان و شاغلان مشاغل کاذب مستقیماً در مطالعه حضور نداشتند، اما توجیه پژوهشگر آن است که هدف تحقیق، واکاوی عوامل و زمینه‌های مؤثر بر این پدیده از منظر سیاست‌گذاری و کارشناسی بوده است؛ بنابراین، تمرکز بر خبرگان حوزه اشتغال، امکان شناسایی ریشه‌ها و ساختارهای بنیادی مؤثر را فراهم ساخته است.

برای تحلیل داده‌ها از روش شش مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) در تحلیل تماتیک استفاده شد: آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی تم‌ها، بررسی تم‌ها، تعریف و نام‌گذاری تم‌ها، و نگارش و تحلیل نهایی. داده‌های خام پس از پیاده‌سازی، چندین بار خوانده شدند و سپس بخش‌های معنادار متن کدگذاری شد. از این کدها مضامین پایه استخراج گردید و با تلفیق مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و سپس مضامین فراگیر شکل گرفتند. برای این منظور از نرم‌افزار MAXQDA ۲۰۲۰ استفاده شد که فرآیند کدگذاری و سازمان‌دهی مضامین را تسهیل نمود. به منظور اعتباربخشی به یافته‌ها، معیارهای لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) شامل باورپذیری (از طریق بازبینی مشارکت‌کنندگان و ارائه بخش‌هایی از متن کدگذاری شده به آنان)، انتقال‌پذیری (از طریق توصیف غنی زمینه اجتماعی-اقتصادی لرستان)، اطمینان‌پذیری (با ثبت دقیق مراحل تحقیق و امکان بازبینی توسط پژوهشگران دیگر)، و تأییدپذیری (از طریق مستندسازی همه تصمیمات تحلیلی و بهره‌گیری از مشاوره اساتید این حوزه) رعایت گردید.

جدول ۲- مشخصات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان

کد مشارکت کننده	جنسیت	سن	رشته تحصیلی	مدرک	پست سازمانی
۱	مرد	۵۵	اقتصاد	دکتری	عضو هیات علمی دانشگاه
۲	مرد	۴۱	اقتصاد	دکتری	عضو هیات علمی دانشگاه
۳	زن	۴۷	جامعه شناسی	دکتری	رئیس کانون زنان بازرگان
۴	مرد	۴۶	کارآفرینی	دکتری	مدرس دانشگاه
۵	مرد	۴۲	سیاست گذاری فرهنگی	دکتری	عضو هیات علمی دانشگاه
۶	مرد	۴۸	جامعه شناسی	کارشناسی ارشد	مسئول اداره کمیته امداد
۷	مرد	۵۱	فلسفه و حکمت اسلامی	کارشناسی ارشد	کارشناس اداره کار
۸	مرد	۴۶	جامعه شناسی توسعه	دکتری	عضو انجمن جامعه شناسی
۹	مرد	۵۲	اقتصاد	دکتری	رئیس بخش تحقیقات اقتصادی و اجتماعی مرکز تحقیقات استان لرستان
۱۰	مرد	۴۱	اقتصاد	کارشناسی ارشد	کارشناس اداره کار
۱۱	مرد	۴۶	مدیریت	کارشناسی ارشد	فعال کارآفرینی
۱۲	زن	۴۲	جامعه شناسی	دکتری	عضو انجمن جامعه شناسی
۱۳	مرد	۴۷	جامعه شناسی	دکتری	مدرس دانشگاه
۱۴	مرد	۴۱	مدیریت	کارشناسی ارشد	کارآفرین
۱۵	زن	۳۸	جامعه شناسی	دکتری	مدرس دانشگاه

جدول ۳- انواع مشاغل کاذب و آسیب‌زای جوانان استان لرستان

عنوان شغل	فراوانی	عنوان شغل	فراوانی
۱ دست‌فروشی	۹	۶ میوه‌فروشی با ماشین	۱۰
۲ دوره‌گردها	۴	۱ خرید و فروش وام‌های اشتغال در مناطق روستایی	۱۱
۳ شوتی سواری	۷	۲ پلاک محو کن	۱۲
۴ دلال ماشین بدون مجوز	۵	۳ دعانویس و فالگیر	۱۳
۵ دلال محصولات کشاورزی	۲	۳ نان خشکی	۱۴
۶ دلال املاک بدون مجوز	۵	۲ همراه بیمار	۱۵
۷ سیگار فروشی	۳	۴ ضایعاتی	۱۶
۸ واکس زن و تعمیرات کفش	۲	۵ پارکبان	۱۷
۹ افرادی که سر در فروشگاه‌ها مردم را به خرید جذب می‌کنند.	۲	۲ بسته‌بندی محصولات کشاورزی	۱۸

در این تحقیق طبق مبانی نظری و پیشینه تجربی، مشاغلی که مالیات پرداخت نمی‌کنند، بیمه پرداخت نمی‌کنند و به طور کلی در مراجع قانونی و رسمی ثبت نشده‌اند؛ به عنوان مشاغل کاذب در نظر گرفته شده است. عناوین شغلی که با بیشترین تکرار از نظر مشارکت‌کنندگان ذکر شده است می‌توان به شغل دست‌فروشی، شوتی سواری، میوه‌فروشی با ماشین، دلال ماشین و املاک بدون مجوز و دفتر کار، پارکبان و ضایعاتی اشاره کرد. فراوانی مربوط به مشاغل در جدول (۳) بیانگر شدت حضور این مشاغل در روایت‌های افراد هستند.

#### عوامل موثر بر گرایش به مشاغل کاذب و آسیب‌زای جوانان استان لرستان

با توجه به سوال پژوهش در خصوص عوامل موثر بر گرایش به مشاغل کاذب و آسیب‌زای جوانان استان لرستان، نتایج تحلیل مضمون حاصل از مصاحبه‌ها در قالب دو مضمون فراگیر عوامل کلان (جدول ۴) و عوامل خرد (جدول ۵) ارائه شده است.

جدول ۴- نتایج تحلیل مضمون فراگیر عوامل سطح کلان موثر بر گرایش به مشاغل کاذب و آسیب‌زای جوانان استان

لرستان

مضمین سازمان‌دهنده	مضمین پایه	کدهای باز
سیاست‌ها و رویه‌های دولت	سیاست‌های اقتصادی دولت	سیاست‌های قیمت‌گذاری
		سیاست‌های مبادی ورودی کالا
		عدم وجود سیاست‌های کلان به سمت تشویق تولید و فشار مضاعف بر تولیدکنندگان
		نابرابری در توزیع فرصت‌های شغلی در سطح کلان
		ناتوانی دولت در سر و سامان دادن به اقتصاد و معیشت مردم
	سیاست‌های اشتغال	عدم احساس مسئولیت دولت در ایجاد زمینه‌ی اقتصادی سالم و پایدار
		عدم شفافیت در اقتصاد
		ایجاد موانع بر راه توسعه تجارت خارجی
		عدم رونق و توسعه زنجیره‌های ارزش
		حمایت بیش از حد از نیروی کار
عوامل قانونی	تمایل کارفرما به سمت روش سرمایه‌بر به جای کاربر	
	بروکراسی اداری پیچیده و سخت‌گیرانه برای جوانان در ایجاد شغل	
	اصرار بیهوده بر پرداخت وام‌های خود اشتغالی	
	نداشتن برنامه علمی و کارشناسی جهت ایجاد شغل	
	برخی قوانین و مقررات کار و تامین اجتماعی	
نظام عرضه و تقاضا	حاکمیت قانون (عدم برخورد قانونی با مباحث غیر قانونی)	
	تعدد و گوناگونی قوانین موثر بر فعالیت‌های اقتصادی	
	مزد عرضه نیروی انسانی نسبت به تقاضا	
نظام مالیاتی	کاهش تقاضای نیروی کار	
	فرار مالیاتی	
	مالیات‌های سنگین	
فرصت‌های محیطی	عوامل محیطی کسب و کار	میزان و ساز و کار پرداخت مالیاتی
		عدم مراجعه خریدار به مغازه‌ها
		جایگزینی ماشین‌آلات به جای نیروی کار و آزادسازی نیروی شاغل غیرماهر در کشاورزی
		عدم توان سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه خارجی و داخلی در استان
		عدم وجود کارخانه‌های فعال و مناسب در استان
		نبود فرصت‌های شغلی مناسب
		مشکلات دریافت پروانه کسب
		عدم رعایت حقوق مالکیت و قراردادهای
		فراهم نبودن فضای کسب و کار برای کارآفرینان و فعالان اقتصادی
عدم تناسب نظام آموزش با محیط اقتصادی		

عدم کاربردی بودن رشته‌های تحصیلی دانشگاهی		
عدم تناسب بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و شغل‌های مورد نیاز جامعه		
مناسب نبودن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای		

طبق یافته‌های تحقیق، مضمون فراگیر عوامل کلان موثر بر گرایش به مشاغل کاذب و آسیب‌زای جوانان استان لرستان مشتمل بر ۳۴ کدباز است. در این مطالعه مضمون فراگیر عوامل سطح کلان (جدول ۴) در قالب دو مضمون سازمان‌دهنده و هفت مضمون پایه سازماندهی شده‌اند.

نتایج تحلیل مضمون در سطح کلان نشان می‌دهد که عوامل ساختاری و نهادی، نقش تعیین‌کننده‌ای در سوق دادن جوانان لرستانی به سوی مشاغل کاذب دارند. یکی از مهم‌ترین مضامین، ضعف سیاست‌های کلان اشتغال و ناکارآمدی برنامه‌های توسعه‌ای است که نه تنها فرصت‌های شغلی پایدار ایجاد نکرده، بلکه به افزایش بی‌ثباتی در بازار کار منجر شده است. به طور خاص، جوانان مصاحبه‌شونده بارها به نبود سرمایه‌گذاری صنعتی و عدم حمایت مؤثر از کارآفرینی در استان اشاره کرده‌اند. این وضعیت موجب می‌شود بخش بزرگی از نیروی کار تحصیل کرده یا جویای کار، برای تأمین معیشت خود به مشاغل غیررسمی و کاذب روی آورند. عامل مهم دیگر، ساختار اقتصادی وابسته و تک‌محصولی استان است. تمرکز بیش از حد بر کشاورزی سنتی و مشاغل خدماتی کم‌بازده، همراه با رکود در بخش صنعت و تولید، شرایطی را ایجاد کرده که زمینه‌ای برای تنوع‌بخشی شغلی وجود ندارد. این ساختار اقتصادی به‌ویژه در خرم‌آباد، بروجرد و شهرهای مرزی مشهود است و موجب می‌شود دستفروشی، واسطه‌گری و مشاغل غیررسمی دیگر به عنوان راهکار جایگزین دیده شود.

در بعد سیاسی و نهادی نیز، قوانین پیچیده ثبت کسب‌وکار و ضعف در اجرای سیاست‌های حمایتی، خود به مانعی جدی برای ورود به بازار رسمی تبدیل شده است. بسیاری از جوانان اشاره کرده‌اند که هزینه‌های بالا، بروکراسی طولانی و فساد اداری، آنها را از ایجاد کسب‌وکار قانونی منصرف کرده و به سمت فعالیت‌های غیررسمی سوق داده است. علاوه بر این، فشارهای اقتصادی کلان همچون تورم، رکود بازار رسمی و نابرابری‌های منطقه‌ای در توزیع فرصت‌های شغلی، نقش مستقیمی در تشدید گرایش به مشاغل کاذب دارند. جوانان لرستانی در روایت‌های خود به این نکته اشاره داشتند که حتی در صورت اشتغال رسمی، دستمزدها پاسخگوی هزینه‌های زندگی نیست و همین امر باعث می‌شود برای جبران شکاف درآمدی به فعالیت‌های کاذب یا چندشغله‌بودن روی آورند. در نهایت می‌توان گفت که در سطح کلان، مجموعه‌ای از ضعف‌های نهادی، اقتصادی و سیاسی، بستر و شرایطی را فراهم آورده که مشاغل کاذب نه به عنوان انتخابی اختیاری، بلکه به‌مثابه استراتژی بقا در برابر ناکارآمدی ساختارهای رسمی در استان لرستان شکل گرفته و بازتولید می‌شوند.

جدول ۵- نتایج تحلیل مضمون فراگیر عوامل خرد موثر بر گرایش به مشاغل کاذب و آسیب‌زای جوانان استان لرستان

مضامین فراگیر	مضامین سازمان-دهنده	مضامین پایه	کدهای باز
عوامل سطح خرد	عوامل زمینه‌ای مضامین سازمان‌دهنده	عوامل فرهنگی	انتظارات جوانان مبنی بر زودتر به نتیجه رسیدن
			تغییر ارزش‌ها در فرایند توسعه و ایجاد ارزش‌های ناهماهنگ با جامعه در فرد
			فرهنگ فقر
			تنزل فرهنگ کار
			نداشتن باور به تاثیر مهارت و تخصص در شغل‌یابی
			نبود فرهنگ کار جمعی
		نداشتن فرهنگ و اخلاق مالیاتی	
		بیکاری	
		فقر	
		رکود اقتصادی	
		تورم	
		نقدینگی زیاد	
		احتیاج به شغل دوم به دلیل مشکلات مالی	
		عدم پشتوانه مالی خانواده‌ها در حمایت از ایجاد شغل	
	هزینه زیاد لازم جهت آموختن مهارت		
	چرخه‌ی تکرار فقر		
	عدم دسترسی جوانان به سرمایه مالی		
	پرهزینه بودن کار رسمی نسبت به کار غیر رسمی		
	وجود فساد و رانت در جامعه		
	افزایش قیمت‌ها		
عوامل اجتماعی	مهاجرت به خارج از استان		
	مهاجرت از روستا به شهر و رشد شهرنشینی		
	اعتیاد و عدم یافتن شغل مناسب		
	توسعه‌نیافتگی استان		
	فرصت‌های نابرابر اجتماعی سرمایه‌گذاری		
عوامل طبیعی	پایین بودن سرمایه اجتماعی در استان		
	نظام کشاورزی موروثی و عدم بیکارچگی زمین‌های کشاورزی		
	بصرفه نبودن فعالیت‌های کشاورزی مناسب نبودن نهاده‌های کشاورزی (آب، خاک و ...)		
عوامل فردی	عدم تن دادن جوانان به کارهای سخت		
	فقدان مهارت و تخصص مناسب		
	عدم مهارت متناسب با جامعه‌ی شهری در بین افراد مهاجر		
	عدم اعتماد به نفس جوانان		
	نداشتن خلاقیت و نوآوری		
	جاه‌طلبی جوانان		
تقاضای پیشرفت سریع در بین جوانان			

مقایسه‌ی خود با جامعه جهانی و احساس عقب‌ماندگی و عدم پیشرفت و ناکامی	بازرسی		
ورود به کارهای خطرناک، پردرآمد و پرریسک			
قانون‌گریزی			
نرخ بازدهی بالا و برگشت سرمایه در مشاغل کاذب			
زحمت کمتر در مشاغل کاذب			
حاشیه سود بالاتر مشاغل کاذب نسبت به مشاغل دیگر			
انس گرفتن به مشاغل کاذب			
ورود آسان به مشاغل کاذب و عدم نیاز به سرمایه کلان			

طبق نتایج تحقیق، مضمون فراگیر عوامل سطح خرد موثر بر گرایش به مشاغل کاذب و آسیب‌زای جوانان استان لرستان مشتمل بر ۴۴ کدباز است. در این مطالعه مضمون فراگیر عوامل خرد (جدول ۵) در قالب دو مضمون سازمان‌دهنده و شش مضمون پایه سازماندهی شده‌اند.

تحلیل مضامین در سطح خرد نشان می‌دهد که گرایش جوانان به مشاغل کاذب تنها ناشی از ساختارهای کلان اقتصادی و نهادی نیست، بلکه مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، نگرش‌ها و شرایط فردی نیز در این فرآیند تأثیرگذارند. یکی از مضامین محوری در این سطح، انگیزه‌های اقتصادی فردی است. بسیاری از جوانان بیان کرده‌اند که سودآوری سریع و گردش نقدینگی بالا در مشاغل کاذب (مانند دستفروشی یا واسطه‌گری) در مقایسه با مشاغل رسمی، عامل مهمی برای ورود به این حوزه محسوب می‌شود. به تعبیر یکی از مشارکت‌کنندگان، «شغل رسمی ماه‌ها طول می‌کشد تا پول بدهد، اما دستفروشی روزانه درآمد دارد». از سوی دیگر، فرهنگ فقر و بازتولید الگوهای معیشتی خانوادگی نقش مهمی ایفا می‌کند. در بسیاری از خانواده‌ها، مشاغل غیررسمی به عنوان راهی عادی برای گذران زندگی پذیرفته شده و جوانان در چنین فضایی، از کودکی با این الگوها آشنا می‌شوند. این فرهنگ منجر به بازتولید نسل به نسل چنین مشاغلی شده و مشروعیت اجتماعی نسبی برای فعالیت‌های کاذب ایجاد کرده است.

عامل مهم دیگر، سطح پایین مهارت و تحصیلات متناسب با بازار کار است. بسیاری از جوانان فاقد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای لازم برای ورود به مشاغل رسمی بوده و همین امر، آنان را به سمت مشاغلی با مانع ورود کمتر سوق می‌دهد. حتی در مواردی که تحصیلات دانشگاهی وجود دارد، شکاف میان رشته‌های تحصیلی و نیازهای واقعی بازار کار سبب شده که مدرک تحصیلی به فرصتی برای اشتغال پایدار منجر نشود. همچنین، ویژگی‌های روان‌شناختی و نگرشی جوانان، مانند تمایل به استقلال مالی سریع، اجتناب از کارهای یدی سخت یا فقدان صبر برای ورود به مشاغل رسمی، در شکل‌گیری این گرایش نقش دارد. برای نمونه، برخی از مصاحبه‌شوندگان اشاره داشتند که کار کردن به شکل رسمی نیازمند روابط اجتماعی گسترده یا پشتوانه مالی اولیه است، درحالی‌که مشاغل کاذب امکان شروع بدون سرمایه زیاد را فراهم می‌کند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در سطح خرد، ترکیب عوامل اقتصادی (مانند نقدینگی سریع)، فرهنگی (فرهنگ فقر)، آموزشی (فقدان مهارت‌های تخصصی) و روان‌شناختی (تمایل به استقلال سریع) به‌طور هم‌زمان موجب می‌شوند که مشاغل کاذب برای جوانان لرستانی نه صرفاً یک انتخاب گذرا، بلکه استراتژی‌ای معقول و کم‌هزینه برای بقا و معیشت تلقی شود.

جدول ۶- راهکارهای کاهش مشاغل کاذب و آسیب‌زای جوانان استان لرستان

مضمین سازمان- دهنده	مضمین پایه	کدهای باز	
راهکارهای مربوط به سیاست‌ها و رویه‌های دولت	سیاست‌های اقتصادی دولت	تکیه بر مزیت‌های نسبی رقابتی در استان	
		رونق زنجیره‌های ارزش برای محصولات	
		شناسایی مزیت‌های نسبی استان در صنعت، معدن، سنگ و ...	
		باز بودن درجه تجارت	
		توسعه تجارت خارجی	
		تلاش برای اصلاح الگوی فعالیت‌های تولیدی و عمل نمودن به قوانین اقتصادی	
		تاکید بر حداکثر شفافیت مالی به ویژه در زمینه‌ی عملیات مالی و نظام بانکی	
		کاهش موانع و محدودیت‌های تجاری به‌ویژه در سطح خارجی	
		گسترش و افزایش کارایی نهادهای بازار	
		اعمال سیاست‌های مالی و پولی کارآمد و برخوردار از پشتوانه کارشناسی	
		تلاش برای افزایش بهره‌وری از طریق افزایش سرمایه‌گذاری، تزریق فناوری و نیز توسعه‌ی نیروی انسانی	
		تلاش هرچه بیشتر برای حفظ و تقویت ارزش پول ملی از طریق راهکارهای مختلف از جمله افزایش درآمدهای دولت و نیز مثبت نمودن تراز مبادلات خارجی	
		اجتناب از چند نرخی بودن ارز	
راهکارهای مربوط به سیاست‌ها و رویه‌های دولت	سیاست‌های اشتغال	حمایت از نیروی کار	
		حمایت از کارفرما	
		سیاست‌های تشویقی تولیدی	
		حمایت واقعی از تولید	
		تلاش برای اشتغال‌زایی همسو با تخصص	
		ایجاد زمینه‌های شغلی پایدار با درآمد مناسب	
		رسمیت بخشیدن به مشاغل غیر رسمی	
	عوامل قانونی	برآورد و پیش‌بینی تحرکات و هرم جمعیتی	
		بازنگری و اصلاح برخی قوانین تامین اجتماعی	
	تقاضا	نظام عرضه و تقاضا	برآورد عرضه و تقاضای نیروی کار
			تبادل بین حمایت از عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان نیروی کار
			ارائه پیشنهاد طرح توسط اداره کار به نمایندگان یا دولت به صورت لایحه، قوانین و سیاست‌های جامعی فرایند تعادل بین عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان نیروی کار
	نظام مالیاتی	نظام مالیاتی	جلوگیری از فرار مالیاتی
معافیت‌های مالیاتی ۵-۴ ساله برای جوانان			
بازنگری در سیاست‌های مالیاتی			
بهبود ، بهینه‌سازی و به‌کارگیری سازوکارهای نوین و کارآمد جهت اخذ مالیات			
اجرای برنامه‌های فرهنگی و آموزشی برای ارتقا و تقویت اخلاق و روحیه مالیاتی در بین مردم			
عوامل محیطی	عوامل محیطی	در نظر گرفتن مکان و زمان مشخص برای دست‌فروشان از جانب شهرداری	
		عدم برخورد قهرآمیز با دست‌فروشان	

فراهم کردن زمینه کسب و کار	نظام آموزشی	راهکارهای مربوط به فرصت‌های محیطی	راهکارهای زمینهای
رونق کسب و کار در استان			
تسریع در صدور پروانه کسب			
بسترسازی و فراهم نمودن فضای کسب و کار			
عملگرا و کاربردی بودن نظام آموزش			
آموزش فنی و حرفه‌ای برای مشاغلی که تقاضای آینده‌ی جامعه است.			
سوق دادن نظام آموزش به سمت رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاربردی			
کوتاه کردن دروس تئوری دوره کارشناسی و عملیاتی و تخصصی تر کردن رشته‌های دانشگاهی			
ایجاد رشته‌های دانشگاهی متناسب با بازار کار استان			
بازنگری در نظام آموزش			
آموزش مهارت‌های مورد نیاز جامعه	نظام آموزشی	راهکارهای مربوط به فرصت‌های محیطی	راهکارهای زمینهای
تشکیل بانک اطلاعاتی جوانان جویای کار و تحصیلمکرده			
نیازسنجی جوانان در خصوص مهارت و استعداد			
تقویت ارتباط بین صنعت و دانشگاه	عوامل فرهنگی	راهکارهای زمینهای	راهکارهای زمینهای
ورود دانشگاه در پروژه‌های مشکل‌دار و نیمه‌تمام			
تغییر نگرش و باور زودرسیدن به اهداف از طریق تبلیغات	عوامل اجتماعی	راهکارهای زمینهای	راهکارهای زمینهای
درونی کردن ارزش‌هایی چون « ضایع کردن حق دیگران حرام است » برای افراد معتقد			
کنترل نرخ مهاجرت			
تقویت سرمایه اجتماعی			
افزایش روحیه همکاری در جامعه	عوامل اقتصادی	راهکارهای زمینهای	راهکارهای زمینهای
بالا رفتن اعتماد عمومی			
بالارفتن امید اجتماعی			
در اختیار قرار دادن سرمایه برای جوانان	عوامل طبیعی	راهکارهای زمینهای	راهکارهای زمینهای
مهار تورم			
برنامه‌ریزی همه جانبه برای بستن مبادی تورم و جلوگیری از افزایش آن	ویژگی‌های تشخیصی	راهکارهای مربوط به عوامل فردی	راهکارهای مربوط به عوامل فردی
سرمایه‌گذاری کلان در بخش گردشگری و کشاورزی			
افزایش اعتماد به نفس جوانان	ویژگی‌های تشخیصی	راهکارهای مربوط به عوامل فردی	راهکارهای مربوط به عوامل فردی
بالا رفتن امیدواری به آینده			

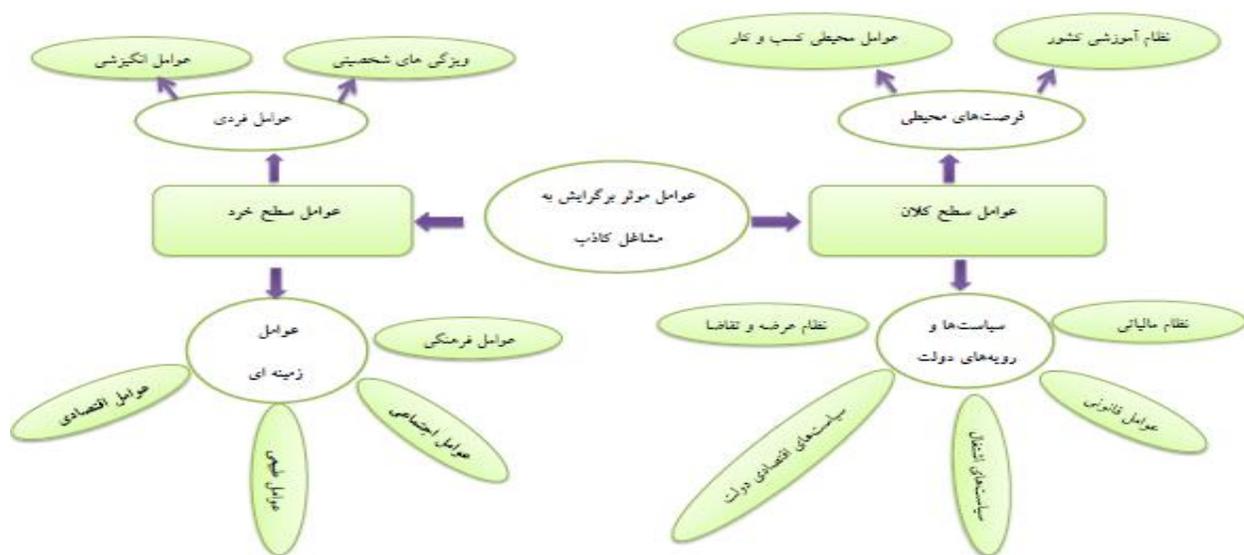
طبق یافته‌های تحقیق، راهکارهای کاهش مشاغل کاذب و آسیب‌زای جوانان استان لرستان (جدول ۶) مشتمل بر ۶۱ کدباز است. در این مطالعه راهکارها با توجه به عوامل موثر بر گرایش به مشاغل کاذب شناسایی شده در قالب دو مضمون فراگیر، چهار مضمون

سازمان‌دهنده و ۱۲ مضمون پایه سازماندهی شده‌اند که براساس این نتایج، شبکه مضامین عوامل موثر بر گرایش به مشاغل کاذب و آسیب‌زای جوانان استان لرستان در قالب شکل (۱) نشان داده شده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مقابله با گسترش مشاغل کاذب در لرستان نیازمند رویکردی چندبعدی است که هم به اصلاح ساختارهای کلان و هم به تقویت ظرفیت‌های فردی و محلی جوانان توجه کند.

در سطح کلان، مهم‌ترین پیشنهادها بر اصلاح ساختارهای اقتصادی و نهادی تمرکز دارند. کاهش بروکراسی اداری در صدور مجوز کسب‌وکار، تسهیل شرایط سرمایه‌گذاری خرد، و بازنگری در نظام مالیاتی برای حمایت از کسب‌وکارهای نوپا، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند موانع ورود جوانان به بازار رسمی کار را کاهش دهند. به گفته یکی از خبرگان «وقتی برای یک مجوز ساده باید ماه‌ها در اداره بدوی، طبیعی است که جوان به سمت دستفروشی برود». بنابراین، شفاف‌سازی و ساده‌سازی قوانین می‌تواند به‌طور مستقیم از رشد فعالیت‌های غیررسمی جلوگیری کند. در سطح میانه، راهکارها بر توانمندسازی اجتماعی و حرفه‌ای جوانان تأکید دارند. توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با نیازهای بازار کار لرستان، ایجاد مراکز مشاوره شغلی در شهرها و روستاها، و ارائه بسته‌های حمایتی برای کارآفرینان جوان، به‌ویژه در حوزه‌های کشاورزی و صنایع کوچک، از جمله اقدامات کلیدی محسوب می‌شوند. این اقدامات علاوه بر کاهش وابستگی جوانان به مشاغل کاذب، به ایجاد احساس امید و چشم‌انداز مثبت نسبت به آینده نیز کمک می‌کنند. در سطح خرد و فردی نیز راهکارها بیشتر بر تغییر نگرش‌ها و تقویت فرهنگ کار متمرکز هستند. آگاهی‌بخشی از طریق رسانه‌ها درباره پیامدهای منفی مشاغل کاذب (مانند بی‌ثباتی اقتصادی، فقدان بیمه و بازنشستگی) و الگوسازی از کارآفرینان موفق محلی می‌تواند به تغییر تدریجی نگرش جوانان کمک کند. همچنین، تقویت نهاد خانواده در حمایت از مسیرهای شغلی پایدار جوانان نقش اساسی دارد.

با این حال، باید توجه داشت که ارائه بیش از ۶۰ راهکار در جدول (۶) بدون اولویت‌بندی می‌تواند کارایی آن‌ها را کاهش دهد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که راهکارها بر اساس معیارهایی همچون فوریت (اقدامات کوتاه‌مدت مانند کاهش بروکراسی)، اثربخشی (آموزش‌های مهارتی) و قابلیت اجرا (حمایت از کسب‌وکارهای خرد) دسته‌بندی شوند. این امر به سیاست‌گذاران کمک خواهد کرد تا منابع محدود را به شکلی هدفمندتر تخصیص دهند. در مجموع، تحلیل راهکارها نشان می‌دهد که کاهش مشاغل کاذب در لرستان نه با یک اقدام منفرد، بلکه از طریق ترکیب سیاست‌های ساختاری، برنامه‌های توانمندسازی و اقدامات فرهنگی امکان‌پذیر است. تنها در چنین چارچوبی می‌توان امید داشت که جوانان استان به‌جای اتکال موقت به مشاغل غیررسمی، مسیر پایدار و مولدی برای آینده شغلی خود بیابند.



شکل (۱)- عوامل و زمینه‌های مؤثر بر مشاغل کاذب و آسیب‌زای جوانان استان لرستان

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش در چارچوب نظریه‌های نوسازی و نئولیبرالیسم و همچنین رویکرد انتقادی مارکسیسم شهری و فمینیسم اقتصادی قابل تفسیر هستند. بر اساس دیدگاه نوسازی، مشاغل غیررسمی به مثابه بقایای ساختارهای سنتی و ناکامی در گذار به بازار کار مدرن تلقی می‌شوند (موزر، ۱۹۷۸). یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که در لرستان عواملی همچون ضعف نهادهای آموزشی و کمبود فرصت‌های صنعتی موجب بازتولید الگوهای معیشتی سنتی مانند دستفروشی شده است. این امر با تحلیل نوسازی همخوانی دارد و بیانگر آن است که عدم توسعه صنعتی و ساختاری استان، بسترساز تقویت مشاغل کاذب بوده است. در مقابل، رویکرد نئولیبرالیسم مشاغل غیررسمی را به عنوان تجلی کارآفرینی در شرایط محدودیت‌های دولتی می‌بیند (دسوتو، ۲۰۰۰). داده‌های مصاحبه‌ها مؤید آن است که پیچیدگی مقررات اداری و مالیاتی، بسیاری از جوانان لرستانی را به سمت راه‌اندازی فعالیت‌های غیررسمی سوق داده است؛ به گونه‌ای که اشتغال غیررسمی در این استان، هم محصول کمبود فرصت‌های رسمی و هم ناشی از واکنش خلاقانه به موانع نهادی است. از منظر رویکرد انتقادی مارکسیسم شهری نیز باید به نقش سرمایه‌داری در بازتولید حاشیه‌نشینی و وابستگی نیروی کار به فعالیت‌های کم‌درآمد و غیررسمی توجه کرد. همان‌طور که لغور (۱۴۰۰) تأکید می‌کند، شهر سرمایه‌داری فضایی دوگانه می‌آفریند: از یک سو مراکز رسمی و قانونی برای تولید سرمایه و از سوی دیگر حاشیه‌هایی که محل تجمع فعالیت‌های غیررسمی و کاذب‌اند. در لرستان نیز، رشد بی‌برنامه شهرنشینی و فقدان صنایع مولد پایدار، نیروی کار جوان را به سمت فضاهای غیررسمی همچون دستفروشی سوق داده است. افزون بر این، رویکرد فمینیسم اقتصادی ابعاد جنسیتی مشاغل غیررسمی را برجسته می‌سازد (شیرخدايي، ۱۳۹۵). یافته‌ها نشان داد که بخشی از مشاغل کاذب به ویژه دستفروشی یا کارهای خانگی غیررسمی به زنان تعلق دارد که به دلیل تبعیض ساختاری در بازار رسمی کار و محدودیت‌های فرهنگی، فرصت‌های برابری برای اشتغال پایدار ندارند. این امر مؤید این دیدگاه فمینیستی است که اقتصاد غیررسمی نه صرفاً انتخاب داوطلبانه، بلکه نتیجه مستقیم ساختارهای مردسالار و نابرابر بازار کار است. بدین ترتیب، ادغام رویکردهای نوسازی، نئولیبرالیسم، مارکسیسم شهری و فمینیسم اقتصادی، امکان درک جامع‌تری از وضعیت

مشاغل کاذب در لرستان را فراهم می‌آورد. این هم‌پوشانی نظری نشان می‌دهد که مشاغل کاذب را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان بقایای سنت یا شکلی از کارآفرینی در نظر گرفت، بلکه باید آن‌ها را در بستر تضادهای طبقاتی، جنسیتی و ساختاری تحلیل کرد. از منظر محلی، شرایط خاص لرستان اهمیت یافته‌ها را نیز دو چندان می‌کند. این استان سال‌ها با نرخ بالای بیکاری در میان جوانان، به‌ویژه تحصیل‌کردگان، دست به گریبان بوده است. همچنین مهاجرت‌های روستا-شهری گسترده موجب فشار مضاعف بر بازار کار شهری شده و دستفروشی و مشاغل موقت را به راه‌حلی قابل دسترس برای جوانان تبدیل کرده است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که نبود سرمایه‌گذاری صنعتی پایدار و ضعف زیرساخت‌ها باعث شده فرصت‌های رسمی شغلی بسیار محدود باشد و همین امر گسترش مشاغل غیررسمی را در استان توضیح می‌دهد. بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر را نمی‌توان بدون توجه به زمینه اقتصادی-اجتماعی استان درک کرد.

این پژوهش در مقایسه با مطالعات پیشین نه تنها به شناسایی عوامل ساختاری و نهادی بسنده نکرده، بلکه به ابعاد خرد و انگیزشی نیز پرداخته است. برای مثال، در حالی که بیشتر پژوهش‌های داخلی (توحیدی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ناییبی و همکاران، ۱۳۹۸؛ محمدی و همکاران، ۱۴۰۰) بر سیاست‌های کلان یا عوامل اقتصادی تمرکز داشته‌اند، داده‌های این مطالعه نشان داد که انگیزه‌های فردی (مانند تمایل به استقلال اقتصادی یا کسب درآمد سریع) نیز به همان اندازه مهم‌اند. این تلفیق سطح خرد و کلان، ارزش افزوده اصلی پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

از نظر پیامدهای نظری، یافته‌ها نشان می‌دهد که تحلیل مشاغل کاذب نیازمند مدلی ترکیبی است که هم عناصر ساختاری و هم عناصر خرد را در بر گیرد. چنین مدلی می‌تواند در ادبیات مربوط به اقتصاد غیررسمی در ایران جایگاه نوآورانه‌ای داشته باشد. از منظر عملی نیز، نتایج نشان می‌دهد که مقابله با گسترش مشاغل کاذب تنها با اصلاحات کلان اقتصادی ممکن نیست، بلکه نیازمند توجه به حمایت‌های خرد از کارآفرینان، آموزش مهارت‌های شغلی، و ساده‌سازی روند ثبت کسب‌وکار است.

با وجود نقاط قوت، پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی نیز هست. نخست آنکه اکثر مصاحبه‌شوندگان خبرگان و متخصصان بودند و خود شاغلان در مشاغل کاذب (مانند دستفروشان یا کولبران) کمتر در نمونه حضور داشتند؛ بنابراین دیدگاه‌های آنان به‌طور مستقیم بازتاب داده نشده است. دوم، اتکای پژوهش به روش کیفی امکان تعمیم نتایج به کل جمعیت جوانان استان را محدود می‌سازد. سوم، احتمال سوگیری ناشی از وابستگی برخی مصاحبه‌شوندگان به نهادهای دولتی وجود دارد که می‌تواند بر نحوه تبیین عوامل تأثیرگذار باشد. ذکر این محدودیت‌ها می‌تواند درک دقیق‌تری از دامنه اعتبار یافته‌ها در اختیار خواننده قرار دهد.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که پژوهش حاضر تصویری جامع‌تر از پدیده مشاغل کاذب در لرستان ارائه کرده است. این مطالعه نشان داد که مشاغل کاذب نه صرفاً محصول ضعف ساختارهای کلان، و نه صرفاً نتیجه انتخاب‌های فردی‌اند، بلکه حاصل تعامل پیچیده میان سیاست‌های اقتصادی، محدودیت‌های نهادی، و انگیزه‌های خرد جوانان هستند. اهمیت یافته‌ها در آن است که سیاست‌گذاران را به لزوم اتخاذ رویکردی چندسطحی برای مدیریت و کاهش مشاغل کاذب توجه می‌دهد. بر این اساس، توجه همزمان به اصلاحات کلان اقتصادی، حمایت‌های خرد از کسب‌وکارهای نوپا، و بازنگری در مقررات اداری می‌تواند زمینه‌ساز کاهش اتکای جوانان لرستان به این نوع مشاغل باشد.

## سپاسگزاری

نویسندگان مراتب قدردانی خود را از همه کسانی که در انجام پژوهش یاری کرده‌اند، ابراز می‌دارند.

## مشارکت درصدی نویسندگان

درصد مشارکت نویسندگان در این مقاله مساوی و هر کدام معادل ۲۵ درصد بوده است.

## تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

## کتابنامه

- احمدی، وکیل، حامد، بیتا (۱۳۹۹). مطالعه جامعه‌شناختی مشاغل غیر رسمی در مناطق محروم شهر کرمانشاه. بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱۱، شماره ۲. <https://doi.org/10.22059/ijsp.2021.82683>
- احمدی شادمهری، محمد طاهر (۱۳۸۶). بررسی وضعیت شاغلان در بخش غیررسمی (مطالعه مورد، شهرستان مشهد). مجله دانش و توسعه (علمی - پژوهشی)، شماره ۲۱، نیمه دوم سال ۱۳۸۶.
- توحیدی، زهره، سروش، علی اکبر، و الحسینی، سید حسن (۱۳۹۴). بررسی وضعیت اشتغال‌پذیری جوانان ایران. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، پاییز ۱۳۹۴، دوره ۱۴، شماره ۲۹.
- درویشی، نسرين (۱۳۹۱). مشاغل کاذب. چاپ اول، نشر: آراد کتاب.
- دسوتو، هرماندو (۲۰۰۰). راز سرمایه، چرا سرمایه داری در غرب موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد؟ ترجمه فریدون تفضلی، تهران: نشرنی.
- دسوتو، هرماندو (۱۹۸۹). راه دیگر. ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران، نشر نی.
- ربانی، رسول، انصاری، اسماعیل (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی کار و مشاغل، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول.
- شیرخدایی، آناهید (۱۳۹۵). تولید فضای جنسیتی، بازتولید روابط اجتماعی نابرابر، مجموعه مقالات زنان، شهر و شهرسازی، به کوشش جواد مهدی زاده، تهران: آگاه.
- صدر موسوی، میرستار، پورمحمدی، محمدرضا، ظفری، داریوش (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل نقش مهاجرت‌های روستایی در ایجاد بخش غیر رسمی؛ مطالعه موردی کلان شهر تبریز، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هفتم، شماره بیست و پنجم، تابستان ۱۳۹۵.
- فدایی، فرید، علی بیگی، ندا (۱۳۹۰). مقایسه میزان و شدت آسیب‌های روانی بین مردان جوان شاغل و بیکار، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۳.
- لوفور، آنری (۱۴۰۰). اندیشه مارکسیستی شهر، ترجمه همن حاجی میرزایی تهران: انتشارات همشهری.

-محمدی، حیدر، موسوی جد، سید محمد، صالحی، یسرا، سلماسی، سمانه (۱۴۰۰). اشتغال پایدار شهرهای مرزی؛ تحلیل علل و پیامدهای کولبری در شهر بانه، دوفصلنامه توسعه پایدار محیط جغرافیایی، سال سوم، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰.

<https://doi.org/10.52547/sdgc.3.5.18>

-موسایی، محسن، عمانی، احمدرضا (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر نگرش جوانان روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی، نشریه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، دوره ۳، شماره ۲ صص ۳۷-۵۰.

-نایبی، هوشنگ، سعیدی، علی اصغر، توکلی راد، مهرداد (۱۳۹۸). زمینه‌های شکل‌گیری دست‌فروشی در شهر رشت، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۳۱، شماره ۲.

-نسترن، مهین، ربیعی، کامران، عبدخدا، کامیار (۱۳۹۴). تحلیل عوامل مؤثر بر تمرکز اشتغال غی رسمی در شهر مرزی بانه، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهری، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۴. [https://urbstudies.uok.ac.ir/article\\_13012.html](https://urbstudies.uok.ac.ir/article_13012.html).

-Bologna, J. (2016). The effect of informal employment and corruption on income levels in Brazil. *Journal of Comparative Economics*, 44(3), pp 657-695.

Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-10.

-Charms, J., (2000). Progress in measurement of the informal sector: Employment and share of GDP. *Handbook of National Accounting*. Vol. 1. pp. 153-168.

-Colin, C. W., (1998). *Informal Employment in the Advanced Economies*. Routledge Publisher, London.

-Funkhouser, E., (1996). The Urban Informal Sector in Central America; Household Survey Evidence. *World Development*, 24, 1737 – 1751.

-Graeber, D. (2018). *Bullshit jobs: A theory*. Simon and Schuster.

-Günther, I. & Launov, A. (2012). Informal employment in developing countries: Opportunity or last resort? *Development Economics*, 97(1).

-Hart, K., (1973). Informal Income Opportunities and Urban Employment in Ghana, *The Journal of Modern African Studies*, Vol. 11, No. 1 (Mar., 1973), pp. 61-89.

-Henley, A., Arabsheibani, G. R. & Carneiro, F. G. (2006). On defining and measuring the informal sector: Evidence from Brazil. *World Development* 37(5).

-Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage Publications, Inc.

-Moser, C. (1978). Informal sector or petty commodity production: Dualism or dependence in urban development? *World Development* 6 (September-October) : 1041-1064.

-Müller, M., Barthelmäs, M., & Keller, J. (2025). Bullshit job experiences at work and subjective well-being: The moderating role of protestant work ethic. *Personality and Individual Differences*, 247, 113388.

- Nayeb, S., (2008) Evaluating the Structure of Informal urban Labor market , MA thesis, Isfahan University, Organisation for Economic Co-operation and Development. (2009).
- Ranani, M.,(2010) . Structure of Employment in Informal Sector of Iran , Eghtesadi Journal , No. 49 and 50 , p 21-38 .[in Persian].
- Williams, C. C. (2017). Tackling employment in the informal economy: A critical evaluation of the neoliberal policy approach. Economic and Industrial Democracy, 38(1), pp 145-169.

مقالات آماده انتشار  
عبر پایگاه ارجاع